

تہجیب

تیم آلبرت

چنین نویسند پریشان

فرہنگ راہمائی نگارش متون پزشکی

ترجمہ محمد رضا افضلی

چنین نویسند پزشکان

فرهنگ راهنمای نگارش متون پزشکی

سرشناسه:	آلبرت، تیم، ۱۹۴۷ - م.
	Albert, Tim, 1947 -
عنوان و نام پدیدآور:	چنین نویسند پزشکان: فرهنگ راهنمای نگارش متون پزشکی / تیم آلبرت؛ ترجمه محمدرضا افضلی.
مشخصات نشر:	تهران: کتاب بهار، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری:	هجده، ۲۴۹ص؛ ۱۴/۵ x ۲۱/۵ س.م.
شابک:	۳ - ۱۶ - ۷۰۶۷ - ۶۲۲ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت: عنوان اصلی:	The A-Z of medical writing, 2000
عنوان دیگر:	فرهنگ راهنمای نگارش متون پزشکی.
موضوع:	نگارش علمی و فنی -- پزشکی
موضوع:	Medical writing
شناسه افزوده:	افضلی، محمدرضا، ۱۳۳۱ - مترجم
رده‌بندی کنگره:	R119
رده‌بندی دیویی:	۸۰۸ / ۰۶۶۶۱
شماره کتاب‌شناسی ملی:	۶۱۹۰۳۱۶

تیم آلبرت

چنین نویسند پزشکان

فرهنگ راهنمای نگارش متون پزشکی

ترجمه

محمدرضا افضلی

تیم

تهران ۱۳۹۹

این کتاب ترجمه‌ای است از

The A-Z of Medical Writing

Tim Albert

London: BMJ Books, 2000

تجرب

تهران: خیابان بهار، کوچه حمید صدیق، شماره ۲۵، واحد ۶ (تلفن: ۷۷ ۵۲ ۴۷ ۸۱)

تیم آلبرت

چنین نویسند پزشکان

فرهنگ راهنمای نگارش متون پزشکی

ترجمه محمدرضا افضلی

چاپ اول ۱۳۹۹

شمارگان ۳۳۰

صفحه‌آرا: مریم درخشان گلریز

طراح جلد: پاشا دارابی

چاپ و صحافی: پردیس دانش

شابک: ۳ - ۱۶ - ۷۰۶۷ - ۶۲۲ - ۹۷۸

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ و مخصوص کتاب بهار است

کتاب بهار (0912 122 6008, @Ketabe_Bahar, ketabebaharpub94@gmail.com)

مرکز پخش: پیام امروز (۳۵ ۶۵ ۴۸ ۶۶)، صدای معاصر (۸۲ ۸۵ ۹۷ ۶۶)

فهرست

یادداشت مترجم	هفت
پیشگفتار	نه
نحوه استفاده از این کتاب	یازده
فهرست مدخل‌ها	سیزده
چنین نویسند پزشکان: فرهنگ راهنمای نگارش متون پزشکی	۱
نمایه انگلیسی به فارسی	۲۴۳

یادداشت مترجم

کتاب چنین نویسند پزشکان: فرهنگ راهنمای نگارش متون پزشکی، ترجمه تقریباً کاملی است از ویراست نخست کتاب *The A-Z of Medical Writing*، نوشته تیم آلبرت، که علاوه بر سوابق مختلف روزنامه نگاری، سردبیر اجرایی نشریه *World Medicine* و سردبیر نشریه *BMA News Review* نیز بوده است و از سال ۱۹۹۰ مؤسسه ای برای برگزاری دوره های آموزش نگارش دایر کرده که تاکنون صدها دوره برای آموزش شیوه های نگارش به پزشکان و دست اندرکاران امور بهداشت و درمان برگزار کرده است. بخش هایی از کتاب بالا که در زبان فارسی محلی از اعراب نداشتند حذف شدند و، به جای آن ها، بعضی کمبودهای این کتاب را با استفاده از ویراست سوم کتاب *Medical Writing: A Prescription for Clarity*، نوشته نیل دبلیو. گودمن و مارتین بی. ادواردز جبران کردم و، علاوه بر آن، چند مدخل ضروری در زبان فارسی را نیز به متن افزوده، و در پاره ای موارد مثال ها و مصادیق فارسی را جایگزین مثال ها و مصادیق انگلیسی مطالب مطرح شده در کتاب های اصلی کردم. در انتخاب مدخل ها و برابر نهاده های آن ها، و رمزگشایی از پاره ای کنایات و طنازی های نویسنده، مثل همیشه، از یاری بی دریغ آقای دکتر مجید ملکان بهره مند شدم. بدیهی است نام بردن از این عزیز بزرگوار در این یادداشت اجمالی نه

هشت چنین نویسند پزشکان: فرهنگ راهنمای نگارش متون پزشکی

پاسخگوی محبت بی بدیل ایشان است و نه چیزی بر قدرشان می افزاید، بلکه صرفاً اعتبار کتاب حاضر را افزایش می دهد و مسئولیت هرگونه خطا و کاستی بر عهده خودم باقی می ماند. امید است مخاطب این کاستی ها را با بزرگواری خود ببخشد.

محمد رضا افضلی
اردیبهشت ۱۳۹۹

پیشگفتار

این کتاب را برای خواندن نوشته‌ام — دست‌کم به معنای متداول آن که عبارت باشد از باز کردن کتاب از صفحه اول و ادامه دادن تا صفحه آخر و (در بهترین حالت) به خاطر سپردن یکی دو نکته. این کتاب را با رویکرد کاملاً متفاوتی نوشته‌ام که حاصل تجربه ۱۰ سال کار با پزشکان و دست‌اندرکاران درمان و بهداشت به منظور یافتن راه حل برای انواع مشکلات نگارشی است.

بدیهی است که پزشکان هنگام نوشتن با مشکلات متعددی روبه‌رو می‌شوند. آن‌ها از یک سو با فشار برقراری ارتباط با بیماران روبه‌رو هستند، و از سوی دیگر باید پاسخگوی انتظارات هم‌تایان خود برای نوشتن نثرهای به‌شدت ملال‌آور باشند. پزشکان پس از دوران دبیرستان هیچ نوع آموزش رسمی برای نگارش نمی‌بینند، اما از آن‌ها انتظار می‌رود برای پیشرفت در حرفه خود در نشریات سطح بالا مقاله منتشر کنند. فرهنگ نگارش طوری تکوین یافته است که — صادقانه بگویم — ویران‌کننده ارتباط مؤثر و برپادهنده استعداد فرد است. البته پزشکان، که برای پزشک شدن آموزش دیده‌اند، نه برای نویسندگی، به هر حال کارهای مفیدتری دارند که انجام بدهند.

بنابراین کتابی که پیش رو دارید کتاب مرجع دیگری برای فراگیری دستور

زبان، آیین نگارش، روزنامه‌نگاری، یا ارائه آمار و آداب نشر نیست، اگرچه گاه، این‌جا و آن‌جا، اشاره‌ای هم به این امور کرده‌ام. هدف این کتاب پشتیبانی، تشویق و توصیه آگاهانه است، تا آن دسته از پزشکانی که نوشتن را کار دشواری می‌پندارند، آن را آسان‌تر ببینند. من به اتکای تجربه برگزاری دوره‌های آموزشی، تعداد زیادی عنوان مهم را انتخاب و به ترتیب حروف الفبا مرتب کرده‌ام، از آداب نگارش مطالب علمی تا به خواب خوش.

تیم آلبرت

نحوه استفاده از این کتاب

انتظار دارم به دو روش از این کتاب استفاده شود. روش نخست روش قدیمی قرار دادن کتاب روی میز کنار تخت، یا میز تحریر است تا هر وقت هیچ کار دیگری برای انجام دادن نداشتید، آن را باز کنید و مدخلی را بخوانید که توجه شما را جلب می‌کند، سرگرم‌تان می‌کند، تحریکتان می‌کند، یا آزارتان می‌دهد. راه دوم این است که هر وقت در نگارش با مشکلی روبه‌رو شدید، برای یافتن راه‌حل و تشویق به ادامه کار به این کتاب رجوع کنید. مثلاً از شما خواسته‌اند سوگ‌نامه‌ای بنویسید، یا دچار قفل‌شدگی ذهن شده‌اید. در چنین مواردی باید به سراغ مدخل مورد نظر بروید که، به نوبه خود، ممکن است شما را به سایر مدخل‌های مرتبط با موضوع یا کتاب‌های دیگری که در این زمینه منتشر شده است، ارجاع دهد. اگر کلمه‌ای با حروف سیاه چاپ شده بود، نشان‌دهنده مدخل دیگری است که ممکن است به کارتان بیاید.

این کتاب شامل گزیده‌ای از مطالبی است که من به ساقفه تجربه شخصی انتخاب کرده‌ام و مطمئناً بسیاری از مدخل‌ها را می‌شود طور دیگری نوشت و ممکن است بعضی مطالب مهم به طور کامل از قلم افتاده باشند. امید به تکمیل این کتاب دارم و قصدم به‌روز کردن منظم آن، هم به صورت نسخه

کاغذی و هم به شکل الکترونیکی است. از این رو تذکرات و راهنمایی‌های همه کاربران کتاب، شامل پیشنهاد برای اضافه کردن مدخل‌های جدید در ویراست بعدی، را با جان و دل می‌پذیرم.

تیم آلبرت

دورکینگ

tatraining@compuserve.com

فهرست مدخل‌ها

آداب نگارش مطالب علمی	ادبیات علمی	انتخاب کلمات
آزادنویسی	ارائه	انصاف
آزادی عمل سردبیر	ارتباط	اول شخص
آزمون شش کلمه اول	ارزیابی سیستمی	اهداف نگارش
آزمون مازیک زرد	استراحت	ایجاز در نگارش
آزمون مخاطب فهمانی	استعاره و کلیشه	ایده
آسوده باشید	استعفانامه	ای میل، نگارش
آشغال	اسطوره	اینترنت
آگهی	اسم	ایهام
آماردان	اشتباه ایکاروسی	
	اشتباه چاپی	بارش مغزی
ایپد می	اصطلاحات تخصصی	بازاریابی
اتوبیوگرافی نگاه کنید به	اطلاعات غیرقابل اسناد	بازخورد
زندگی نامه خودنوشت	اطلاعات مورد نیاز بیمار	بازخورد متعادل
اثر پروردا	اطلاعیه رسمی	بازرس ویژه
اختصارات	افترا	بازنویسی
اختلال آسیب‌زای وسواس	اقدام قانونی	برحسب
املائی	اما	بُر زدن برگ‌ها
اخلاق حرفه‌ای	امضا	برنامه‌ریزی
اخلاق حرفه‌ای سردبیر	املا	برنامه‌ریزی نشر
ادبیات	انتحال	بزرگ‌نمایی

چهارده چنین نویسند پزشکان: فرهنگ راهنمای نگارش متون پزشکی

بسیار	تاریخ انتشار	جمله اول
بند	تأکید	جمله های پس و پیش
به روز سازی	تأمل	جمله های دور و دراز
بی تفاوتی	تبلیغات	جمله های مثبت
بیزاری	تتابع اضافات	جمله های منفی
بیگانه هراسی	تحقیر	جنبش ساده نویسی
بیماری	تشکر می کنم	
بیهوشی در شرایط جنگ	تصحیحات	چرخه زیستی
داخلی	تصحیح نوشته دیگران	چکیده
	تصویر	چکیده ساختارمند
پاداش	تضاد منافع	چکیده کنفرانس
پارادوکس نبض	تقریب	چندفونت گرایی
پاراگراف	تفکر	
پاک زبانی	تقلب	حاصل کار
پایان	تقلب علمی	حامی خواننده
پذیرش	تکرار	حذف به قرینه
پرسش	تکرار هراسی	حذف زواید
پرسش و پاسخ	تمام کردن	حذف گزینشی
پروفسور	تنظیم دستور کار	حروف اضافه
پریشان فکری	توازن	حروف ربط
پزشک	توصیف گر سرگردان	حشو قبیح
پژوهش		حفظ سوابق
«پژوهش بیش تر ضرورت دارد»	ثروت	حق مؤلف
		حقیقت
پژوهش در نگارش	جارو و جنجال	حلقه باز خورد نادرست
پژوهشگر تازه کار	جدول	
پس گرفتن حرف	جدول زمانی	خبرنامه
پومتر	جرح و تعدیل	خسارت فسخ
پیام	جلسه امتحان	خط تیره
پیرایه بستن	جمع	خط تیره کوتاه
پیش نویس	جمع کردن کار	خلاصه
پیش نویس اول	جمله	خلاصه خاص مدیران
پیوست	جمله آخر	خلاصه مذاکرات

خلاقیت	روزنامه‌نگاری	شاخص ارجاع
خواندن	روش شناس	شاخص خوانایی
خواننده		شاخ و برگ دادن
خواننده، تأثیر	زبان ارباب‌منشانه	شاخه‌گزینی
خودضعیف‌پنداری	زبان جنسیت‌زده	شبکه جهانی اینترنت
خوره داده نگاه کنید به داده‌باز	زبان روزمره	شرح وظایف
	زبان ژورنالیستی	شروع ضعیف
داده‌باز	زبان قلمبه‌سُلّمبه	شروع کار
داوری علمی	زمان فعل	شکست‌هراسی
درآمد	زندگی‌نامه خودنوشت	شکل
درخواست کمک‌هزینه	زوج گمراه‌کننده	شور نگارش
درس اختیاری گرفتن	زیرو رو کردن داده‌ها	شهود
درست‌نویسی		شیوه
دروغ	ساختار	شیوه‌نامه
دست‌آورد واقعی فقط با	ساختار مُرتّب	صاف کردن گلو
برنامه‌ریزی (دوقب)	ساده‌نویسی	صفت
دست‌به‌کار شدن	سبک	صفحه‌بندی
دستورالعمل نویسندگان	سبک شخصی	
دستور زبان	سپاس‌گزاری	ضد‌حال
دستیار سردبیر	سخن سردبیر	ضرب تأثیر
دوره‌های آموزشی	سررتیر	
دونقطه	سردبیر	طراحی
دیپلماسی نگارش	سردبیر، رابطه موفق با	طول
دیکتافون	سردبیر: نویسنده یا دانشمند؟	
	سرمقاله نگاه کنید به سخن	عامی
راهبری	سردبیر	عبارت
رپرتاژ آگهی	سرنام‌ها	عبارت تابع
رد کردن کار	سرپرستار	عبارت زاید
رضایت بیمار	سفارش کار	عبارت‌های سست
رنج	سفرنامه‌نویسی	علامت تعجب
روزنامه	سفیدی	علامت نقل قول
روزنامه پزشکی	سوابق شغلی	علائم سجاوندی
روزنامه جنجالی	سوغ‌نامه	عنوان (اشخاص)

شانزده چنین نویسند پزشکان: فرهنگ راهنمای نگارش متون پزشکی

عنوان بیانگر	کتاب، مرور نگاه کنید به مرور	گشایش
عنوان (مقاله)	کتاب	گناه از قلم افتادگی
فارسی را پاس بداریم	کتاب، نگارش	گوش
فاصله گذاری پس از نقطه	کتاب، نگارش فصل هایی از	گیومه
فرایند	کتاب، ویرایش	لطیفه
فرایند نگارش	کتاب های چند مؤلفی	لقمه را دور سر خود پیچانند
فردیت	کدام واژه بهتر است؟	
فرضیه	کسالت نوشته پزشکی	ماهیت
فشار حامیان مالی	کلمات پرطمطراق	مباحثه
فصل، نگارش	کلمات دردسرساز	مثبت معکوس
فضل فروشان	کلمات دور دراز	مجله
فعل	کلمات زاید	مجله علمی شناسی
فعل مرکب و قید	کلمات غیر معمول	مجهول
فهرست	کلمات کلیدی	محرمه
فهرست اقدامات لازم	کلیشه	مخاطب
فهرست واریسی	کلیشه سازی	مدیریت از پایین
	کمال	مدیریت پروژه
قانون اشتباه چاپی	کمک ویراستار	مدیریت زمان
قبول دادن نوشته	کمیت	مذاکره در مورد تغییرات
قتل شدن ذهن	کمیته بین المللی سردبیران	مرور کتاب
قید	نشریات پزشکی	مزخرف
	کنفرانس	مسابقه
کارکرد	کوتاه و ساده	مسئولیت اخلاقی داوران
کارفرما	کوشش	مشاغل نویسندگی
کارگزار	کیفیت	مصاحبه
کاغذ	گروه و نکوور	مصالحه
کاغذ باطله	گروه های پشتیبان نویسنده	مطالب اصلی
کاغذ یک بار مصرف	گزارش	مطالب خبری
کامپیوتر، نگارش با	گزارش سالانه سلامت	مطالب سردبیری
کپی رایت	همگانی	مطلب بیخود
کتاب، خرید	گزارش کنفرانس	معرفی کوتاه
کتاب شناسی	گزارش موردی	معلم زبان

معلوم	نسخه‌ویرا نگاه کنید به	نویسندگان همکار
معیارهای نگارش خوب	کمک‌ویراستار	نویسنده
مقاله	نشر الکترونیک	نویسنده آزاد
مقاله تکثیری	نشر الکترونیکی	نویسنده افتخاری
مقاله‌سازی	نشریه	نویسنده بزرگ
مقاله علمی	نشریه هدف	نویسنده در دام نقد
مقاله غیرقابل انتشار	نظر مشورتی	نویسنده در سایه
مقاله کوتاه	نظریه‌های ارتباط	نویسنده صادق
مقاله مروری	نظم‌دهی اطلاعات	نویسنده وسواسی
مقاله منتشرنشده	نقد	نوین
مقدمه	نقطه	نه تنها ... بلکه
ملال	نقطه‌ویرگول	
منابع	نقل قول	وارسی حقایق
منفی در منفی	نقل قول پراکنی	واژگان
موعد تحویل	نقل قول کردن	واژه‌پرداز
موفقیت	نکات فهرست‌وار	واژه دردمساز
مهارت‌های تحلیلی	نکوهش آدم‌های عجول	واژه‌های علمی
میز تحریر	نگارش	واکنش غریزی
نام	نگارش برای مخاطب متفاوت	وام گرفتن ایده‌های دیگران
نامه	نگارش به مثابه بخشی از علم	وجه فعل
نامه به سردبیر	نگارش تأثیرگذار	وحشت‌زدگی
نامه توضیحی	نگارش تدافعی	وکیل دعوی
نامه‌نگاران حرفه‌ای به سردبیر	نگارش شاخص‌محور	ویراستار حرفه‌ای
نثر پرطمطراق	نگارش ضعیف	ویراستار فنی
نثر شیرین	نگارش مصلحت‌اندیشانه	ویراستار مداخله‌گر
نثر علمی خوب	نگارش مطالب علمی	ویراستار مؤلف
نثر متکلف	نمایش بارش مغزی	ویراستار و ویرایش
نثر مصنوع نگاه کنید به نثر	نمایشگر کامپیوتر	ویرایش
متکلف	نمونه‌خوانی	ویرایش خُرد
نحوه نگارش	نوشتن پایان‌نامه	ویرایش کلان
نژادپرستی	نوشته بد	ویرگول
نسخه	نوشته خوب	
نسخه کاغذی	نوع قلم	هرم اخبار

هجده چنین نویسند پزشکان: فرهنگ راهنمای نگارش متون پزشکی

هزینه کیفیت	هیت تحریریه	یادداشت بیمار
هم آواها		یادداشت موردی
همه حقیقت	یادداشت	په خواب خوش

چنین نویسند پزشکان

فرهنگ راهنمای نگارش متون پزشکی

آداب نگارش مطالب علمی scientific writing conventions

علم ممکن است بسیار پیچیده باشد، اما در تعریف علم چیزی وجود ندارد که دلالت ضمنی بر پیچیدگی آن داشته باشد، یا مستلزم آن باشد که توصیف‌های علمی به زبان خاصی نوشته شوند که فقط علما از آن سر در بیاورند. ممکن است جزئیات و پیامدهای نظریه نسبت انشتین و رای درک بسیاری از ما باشد، اما می‌توان این نظریه را به زبان ساده بیان کرد، همان‌طور که خود انشتین در نوشته‌هایش چنین کرده است.

پیچیده بودن زبان درک مطلب علمی را دشوارتر می‌کند. از زمان انشتین تا کنون در علم فیزیک پیشرفت‌های بسیاری رخ داده است و پزشکان درمانگر محدودی می‌توانند پیچیدگی‌های نظریه‌های جدیدتر، مثلاً نظریه ابررسمان‌ها را درک کنند. درک این نظریه مستلزم درک ابعادی بیش‌تر از ابعاد سه‌گانه آشنا برای همه است و در آن تلاش می‌شود نظریه بر حسب همان اصطلاحات فیزیکی زمان، جرم، گرانش و پدیده‌های دیگر توضیح داده شود. نظریه ابررسمان‌ها پیچیده است، اما همین نظریه، در نوشته‌ای در یکی از نشریات پزشکی معرفی شد و می‌توان آن را نمونه وضوح دانست:

از سال ۱۹۸۴، شور و اشتیاق زاینده‌ای نسبت به نظریه ابررسمان ابراز می‌شود، و محرک این شور و اشتیاق نشانه‌هایی حاکی از آن است که این نظریه نه تنها به درک سازگار و منسجم گرانش کوانتومی منجر خواهد شد، بلکه ضرورتاً همه ذرات بنیادی و نیروهای

فیزیکی را نیز وحدت می‌بخشد. بنا به اصل پایه‌ای این نظریه، ذرات بنیادی (مثلاً الکترون‌ها، کوارک‌ها، و ذرات دیگر) اجسامی دراز و ریسمان مانند هستند، نه اجسام نقطه مانند فاقد ساختاری که در همه نظریه‌های کوانتومی پیشین (مثلاً نظریه‌های مبتنی بر الکترومغناطیس ماکسول یا گرانش انشتین) ظاهر می‌شدند ...

... به دلایل کلی، در یک نظریه کوانتومی کامل که شامل گرانش و نیروهای دیگر هست، مفهوم آشنای فضا-زمان باید تغییر کند و دیگر نمی‌توان آن را به صورت مجموعه‌ای هموار از نقاط در نظر گرفت، بلکه پیوسته در حال نوسان است، آن هم به شیوه‌ای وابسته به نیروهایی که ذرات عبوری از این مجموعه بر آن وارد می‌کنند.

این نظریه ذهن را متحیر می‌سازد؛ تردیدی نیست که ایده نوسان فضا-زمان را نمی‌توان به آسانی هضم کرد. اما چنین ایده‌ای را از این ساده‌تر نمی‌توان بیان کرد و در نگاه اول می‌توان مطلب را دریافت. این میزان وضوح و سادگی در بیان، موضوع را ملموس و جالب می‌سازد. خواننده را مشتاق بیش‌تر دانستن می‌کند. دلیلی وجود ندارد که همه مقاله‌های پزشکی تا این درجه واضح و ساده نوشته نشوند.

این نوشته را با متن زیر مقایسه کنید که درباره کنترل تنفس است. همه کسانی که در حوزه پزشکی تحقیق می‌کنند با فیزیولوژی تنفس آشنا نیستند، بنابراین اصطلاحات آن را نیز می‌شناسند (در حالی که شاید با اصطلاحات فیزیک ذرات بنیادی تا این اندازه آشنا نباشند).

تبیین فیزیولوژیکی کنترل تهویه ریوی در پستانداران با اغلب مشاهدات فیزیولوژیکی سازگار و مرتبط خواهد بود، هرگاه مجسم‌سازی کنترل حول مفهومی فرمول‌بندی شود که بنا به آن جریان هوا بخش واقعی سیگنال تحلیلی متغیر با زمان است. دامنه و فاز لحظه‌ای این سیگنال با عمق و آهنگ تنفس متناظر است.

نوشته به اندازه‌ای ثقیل است که امکان ندارد کسی با یک بار خواندن از آن سر در بیاورد. پیچیدگی و ابهام متن خواننده را وادار می‌کند از خیر خواندن ادامه مطلب بگذرد. در حالی که جمله اول و فوق‌العاده پریپیچ و خم این متن را می‌توان چنین نوشت:

همه مشاهدات مرتبط با کنترل تنفس در پستانداران را می‌توان برحسب جریان لحظه‌ای هوا توضیح داد.

متأسفانه بسیاری از متخصصان نوشته نخست را، هر چند درک آن تقریباً غیرممکن است، علمی تر می دانند. در واقع با نوعی استدلال دوری سروکار پیدا می کنیم: در نشریات علمی گزارش های علمی چاپ می شود؛ نشریات علمی نثر سنگین، پرطمطراق و پیچیده دارند؛ پس این سبک نگارش، علمی است. نتیجه گیری ناگزیر این است که هنگام نوشتن مقاله های پزشکی و علمی باید از این سبک استفاده کرد.

آزادنویسی free writing

فنی عالی که به شما امکان می دهد خلاقانه بنویسید. به اتفاقی بروید، بدون این که هیچ عامل مزاحمی، مانند کتاب های مرجع، یا کپی مقالات، یا حتی داده های اصیل همراهتان باشد و شروع به نوشتن کنید. شاید روی کاغذ آوردن چند جمله اول برایتان سخت باشد، در این صورت باید هر جمله پیش پا افتاده ای را که به ذهنتان می رسد، بنویسید، مثلاً «این جا نشسته ام و سعی می کنم مطلبی بنویسم درباره ...».

این ترفندی برای شروع کار است، بنابراین هنگامی که شروع کردید، ادامه بدهید. وقتی یک جمله را نوشتید به سراغ جمله بعدی بروید. در برابر وسوسه بازنگری و دستکاری آن چه لحظه ای پیش نوشته اید، مقاومت کنید. باید ایده هایتان را پرورش دهید و وقتتان را صرف علانم سجاوندی نکنید. اگر این کار را غیرممکن یافتید، نوشته خود را طوری بپوشانید که چشمتان به جمله های قبلی نیفتد؛ اگر مستقیماً با کامپیوتر کار می کنید، نمایشگر کامپیوتر را خاموش کنید.

باید بتوانید با استفاده از این روش در هر دقیقه حدود ۳۰ کلمه بنویسید، بنابراین پس از گذشت ۲۰ دقیقه باید متنی با حدود ۶۰۰ کلمه نوشته باشید. در زمانی که از قبل مشخص کرده اید از نوشتن دست بکشید. اگر پس از سپری شدن زمان تخصیص یافته هنوز مطلب تمام نشده است، فقط عنوان پاراگراف ها را تا آخر مشخص کنید.

تجربه من در تشویق شرکت کنندگان در یک دوره آموزشی به استفاده از روش آزادنویسی به مدت ۱۰ دقیقه نشان داد که دو دقیقه اول برای آن ها اضطراب آور و دشوار بوده است، اما پس از آن کاملاً جذب این روش شده اند. غالباً شروع به نوشتن درباره

موضوعاتی می‌کنند که قبلاً حس نمی‌کردند از آن‌ها اطلاعاتی دارند: به عبارت دیگر خلاقیت خود را از بند رها کردند.

مردم به درستی به مطالبی که به این ترتیب نوشته‌اند به دیده تردید می‌نگرند. اما معمولاً متوجه می‌شوند که پیامشان به روشنی مکتوب شده است و ساختار متن (به صورتی که در آزمون مازیک زرد مشخص می‌شود) به صورتی غیرعادی مرتب و واضح است.

دو هشدار هم باید بدهم. اول این که آزاد نویسی هنگامی جواب می‌دهد که برنامه‌ریزی قبلی داشته باشید؛ در غیر این صورت فرایند تفکر آزاد است (نگاه کنید به شاخه‌گزینی). دوم این که تقریباً یقین خواهید داشت که باید روی نوشته خود بیش‌تر کار کنید. اما اکنون که مطلب را از ذهن خود بیرون کشیده و روی کاغذ یا نمایشگر کامپیوتر آورده‌اید، متنی دارید که می‌توانید روی آن کار کنید.

آزادی عمل سردبیر editorial freedom

مفهوم مفیدی نیست. غیر از حالتی که سردبیر مالک مؤسسه نشر نیز هست، باید در برابر فرد یا سازمانی با قدرت بیش‌تر مسئول و پاسخگو باشد. مفهوم مفیدتر اخلاق حرفه‌ای سردبیر است.

آزمون شش کلمه اول first six words test

این آزمونی ساده است و بر این فرض مبتنی است که برای خواندن یک جمله کامل، باید کار را با خواندن چند کلمه اول شروع کنیم. این آزمون شامل خواندن شش کلمه اول به صدای بلند و مطرح کردن این پرسش است: «آیا اگر از واژه‌های دیگری استفاده می‌کردم، می‌توانستم عده بیش‌تری را به خواندن مقاله ترغیب کنم؟»

از جمله گشایش‌های ضعیف می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «در بحث‌های فراوان مطرح درباره اثر...»، یا «اگرچه در بسیاری از بررسی‌ها...». تأثیر جمله نخست را می‌توان به سادگی افزایش داد، مثلاً: «اثر آب انگور قرمز در سلامتی در بسیاری از بررسی‌ها شبیه‌سازی شده است.»

yellow marker test

آزمون ماژیک زرد

طی سال‌ها، این آزمون ساده را ابزاری مفید برای درک ساختار هر نوشته یافته‌ام. تنها وسایلی که لازم دارید یک ماژیک زرد و چند پاراگراف از یک متن است. با استفاده از ماژیک جمله‌هایی را که فکر می‌کنید از بقیه مهم‌ترند متمایز کنید. فقط جمله‌های کامل را شناسایی کنید، به طوری که بتوانید آن‌ها را به ترتیب بخوانید و مفهوم آن‌چه را نوشته‌اید حفظ کنید، البته به صورت مختصر شده.

اکنون ساختار نوشته را شناسایی کرده‌اید. آن را به بخش‌های زیر تقطیک می‌کنیم (۱) «استخوان‌ها» جمله‌هایی هستند که از اقدامی حکایت می‌کنند یا بحثی را پیش می‌برند و با رنگ زرد متمایز خواهند شد، و (۲) «گوشت» که جمله‌های تزئین‌کننده یا پشتیبانی‌کننده بحث‌اند و با رنگ متمایز نمی‌شوند.

• جمله‌های اول هر پاراگراف با رنگ زرد متمایز شده‌اند. اگر جمله‌های اول هر پاراگراف را با رنگ متمایز کرده باشید نوشته شما احتمالاً ساختار خوبی دارد و به آسانی می‌توان آن را دنبال کرد. این نتیجه‌گیری منطقی است: پاراگراف‌ها واحدهای تشکیل‌دهنده نوشته‌اند، بنابراین هرگاه جمله‌های مهم در آغاز پاراگراف بیایند آن پاراگراف را تشخیص می‌بخشند و تضمین می‌کنند که بحث به روشی دسترس‌پذیر پرورده می‌شود. اما اگر دنبال کردن نوشته آسان نباشد، آزمون ماژیک زرد در مورد این که کجای کار می‌لنگد، اطلاعات مفیدی به دست خواهد داد.

• جمله‌های آخر پاراگراف‌ها با رنگ زرد متمایز شده‌اند. این وضعیت گرایش دانشمند آموزش‌دیده برای به کارگیری ساختار مقاله علمی در هر پاراگراف را نشان می‌دهد (نگاه کنید به مرتب). پاراگراف‌ها با مقدمه‌ای ملایم شروع می‌شوند و گسترش می‌یابند تا در پایان به نتیجه‌ای جالب ختم شوند. پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا هر پاراگراف، یا نوشته به طور کلی، تأثیرگذارتر نخواهد بود اگر این ترتیب برعکس شود؟ عموماً تأثیرگذارتر خواهد بود.

• جمله‌های وسط پاراگراف‌ها با رنگ زرد متمایز شده‌اند. در این وضعیت معلوم می‌شود که نکته‌ای مهم مغفول مانده است. اگر این جمله به ابتدای پاراگراف انتقال می‌یافت، تأثیرگذارتر نمی‌شد؟

• در یک یا چند پاراگراف هیچ جمله‌ای با رنگ زرد متمایز نشده است. این پاراگراف‌ها در نوشته چه نقشی دارند؟ ممکن است مقدار زیادی اطلاعات در اختیار خواننده قرار دهند، اما بدون چارچوب مشخصی که بتوان اطلاعات را در آن چارچوب درک کرد. دو راه چاره اصلی وجود دارد: (۱) قبول کنید که پاراگراف‌های متمایز نشده زایدند، بنابراین آن‌ها را حذف کنید، یا (۲) برای ابتدای هر پاراگراف یک جمله کلیدی بنویسید تا خواننده بداند چرا اطلاعات مورد نظر در آن پاراگراف آمده است.

• پاراگراف‌هایی که تقریباً همه جمله‌های آن‌ها با رنگ زرد متمایز شده‌اند. این نشانه دیگری از بار اضافه روی دوش خواننده است: اگر همه جمله‌ها هم‌ارزش‌اند، شاید فهرست خرید نوشته‌اید. نوشتن یک جمله کلیدی می‌تواند تصویر را تغییر دهد: اگر شش دلیل مهم در اختیار دارید که چرا مثلاً دوشنبه واقعاً سه‌شنبه است، آن‌ها را با یک جمله کلیدی جدید به هم پیوند بزنید: «به شش دلیل دوشنبه واقعاً سه‌شنبه است.»

• رشته‌ای از نکات فهرست‌وار که بعضی از آن‌ها با رنگ زرد متمایز شده‌اند و بعضی نشده‌اند. این وضعیت نشان‌دهنده نوعی تناقض است. فهرستی از این نوع نکات حاکی از هم‌ارزش بودن همه آن‌هاست، اما آزمون ماژیک زرد نشان می‌دهد که چنین نیست. چاره آن آسان است: آن‌ها را به ترتیب اهمیت مرتب کنید یا دو یا سه فهرست دیگر را در نظر بگیرید.

آزمون ماژیک زرد به‌ویژه هنگامی مغتتم است که قصد داریم به همکاران خود بازخورد متعادل بدهیم: اگر حس می‌کنید بخشی از نوشته آن‌چنان که باید مؤثر نیست، معمولاً این آزمون علت آن را برای شما روشن می‌کند. صرف وقت برای انجام این آزمون بهتر از دستکاری کردن سبک نگارش دیگران است (نگاه کنید به ویرایش کلان).

آزمون مخاطب‌فهمانی pub test

مفهومی ساده و مفید. هنگام سخن گفتن از به‌کارگیری انواع مختلف نشانه‌های بصری، مانند ارتباط چشمی و خمیازه‌های فروخورده، استفاده می‌کنیم تا بتوانیم خود را با مخاطب تنظیم کنیم و پیام خود را انتقال دهیم. هنگام نوشتن، از بازخورد مخاطب محرومیم و مدت زیادی را صرف پیرایه بستن (غیرضروری) می‌کنیم. هرگاه با قطعه‌ای نشر کاملاً

نامفهوم روبه‌رو شدید که خودتان آن را نوشته‌اید، از آزمون مخاطب‌فهمانی استفاده کنید: هرگاه با خواننده هدف رودررو شوید موضوع نوشته را چگونه برایش توضیح خواهید داد؟ قطعاً جمله‌ای به ذهنتان می‌رسد که ساده‌تر و درک آن آسان‌تر است.

این آزمون هنگامی مفید است که قصد کمک به دیگران در مورد نوشته‌هایشان را داریم. جمله‌آزاردهنده را برایشان بخوانید: «این راه‌برد برای جفت‌وجور شدن با فرایندهای برنامه‌ریزی راه‌بردی شرکای اصلی طراحی شده است.» روی آن را پوشانید و پرسید معنای این جمله چیست. شما (و آن‌ها) ممکن است از وضوح پاسخ حیرت‌زده شوید: «باید با شرکایمان مشورت کنیم.»

آسوده باشید quiet

لازم نیست زمانی طولانی به نوشتن پردازید. تنها نیاز شما ۱۰ تا ۱۵ دقیقه وقت و موعد تحویل معقول است. بنابراین چرا همین الآن دست‌به‌کار نمی‌شوید؟

آشغال rubbish

دور و بر ما از آن پر شده است (نگاه کنید به تنظیم دستورکار؛ مزخرف).

آگهی advertising

نوشته‌هایی طبق علاقه و به نفع کسی که برای انتشار آن‌ها پول پرداخت کرده است.

آماردان statistician

امروزه اغلب نشریات علمی آمار را بسیار جدی می‌گیرند و آماردان‌های حرفه‌ای در بالاترین سطوح طرف مشورت آن‌ها هستند. هنگام نوشتن مقاله برای نشریات این نکته را در نظر داشته باشید و در مراحل اولیه از یک آماردان کمک بگیرید. قبل از شروع نگارش ببینید آیا تعداد داده‌های موجود به اندازه‌ای هست که بتوانید از آن‌ها نتایج معنادار استخراج کنید.